ج) وجود معنای حرکت در مادهٔ «ضلّ» با تکیه بر معنای امتداد در «لام»

آیا در «ضلّ» یک سیری هست یا نیست؟ ببینید خود ایشان می‌گوید «لام» به‌معنای امتداد و ارسال است. پس چرا شما از معنای لام صرف‌نظر می‌کنید؟ اگر شما می‌گویید «ضلّ» در لام معنای امتداد و استرسال خوابیده است، خود امتداد و استرسال یک نحو راه است. رفتن است؛ طول می‌کشید و باید برود. خب، ما هم که راه می‌گوییم مقصودمان از راه دقیقاً این نیست که یعنی جاده خاکی. می‌خواهم بگویم در «ضلّ» باید یک نحو طیّ‌طریق باشد؛ به انحای طرق و به انجاء طیّ.

نقش ترتیب حروف در مادهٔ «بثّ» و «ثبّ»

خب «ضلّ» چیست؟ «ضلّ» یعنی در ادامه‌ی راه، با یک تفرق و تحیری مواجه می‌شود؛ با یک چیزی که از آن امتداد باز می‌ماند. شبیه «بثّ» و «ثبّ» است. خود ایشان می‌گویند. اینها زیبا است. «لذّ

خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً [1]. «بثّ» یعنی پراکنده کرد. اما ایشان در «ثبّ»، «ثوب»، «ثیب» و «ثیّب» می‌گویند، «ثوب» به‌معنای اشتمال و جمع شدن است. برعکس «ثبّ» است. چون «الباء للالصاق» است. «بزید دار». می‌گویند اصل معنای باء چسباندن به یک چیزی است. جمع شدن با آن است. «بثّ» یعنی چیزهایی با هم جمع بودند و از یک چیز مجتمعی پراکنده شدند. اینجا از جاهای خیلی زیبا است. «بث» الصاقی است که پخش می‌شود. خاکها روی زمین به هم چسبیده‌اند، یک دست محکم روی آن می‌زنید و پخش می‌شوند؛ «بثّ». گرد و غبار بالا می‌رود. «مبثوث» می‌شود. جمع بودند و به هم چسبیده بودند، به هم ملصق بودند، با تحریک شما «بثاث» شد. اما می‌گویند همین را برعکس کنید؛ «ثبّ» یعنی متفرق بودند و ملصق شدند؛ برگشتند و با هم جمع شدند. بعد هم مثال‌های متعدد می‌زنند. «ثوب» چیست؟ می‌گویند وقتی نخ‌هایی که از هم باز بودند را قماش و پارچه می‌کنید، عرب «ثوب» می‌گوید. «ث» در «ثوب» یعنی نخ‌های پخش و پلا بودند، «ب» یعنی مجتمع شدند.

شاگرد: در «ثوب» حرف اول و سوم را محور قرار داده است.

استاد: قرار شد که واو نباشد. لذا در «ثوب»، از پخش شدن جمع شدند. بنابراین «ثبّ» یعنی یک متفرقی با هم مجتمع شدند و ملصق شدند.

[1]. النساء، آیه‌ی 1.

بازبینی #3
ایجاد شده 15 ژانویه 2025 14:10:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 فوریه 2025 15:38:58 توسط ... .